

Thanks Honey



ترین گزینه برای «دوره گذار» می دانستند و به تعبیری دولت وی را «رحم اجاره ای اصلاحات» می دانستند.

از دیگر سوی، دولت تدبیر! در این بازه زمانی سه ساله نتوانسته است اعتدال مورد نظر خود را در کنار اصولگرایی و اصلاح طلبی به یک «گفتمان رایج» تبدیل نماید و این بدان معناست که طیف حامی دولت در انتخابات پیش روی، فاقد پایگاه اجتماعی مکفی بوده و از این رو نیازمند تمسک مجدد به اصلاح طلان است بدان امید که با تجمیع سبد آراء خود، مجدداً به یک «پیروزی ناپلئونی» در انتخابات ۹۶ دست یابد.

از دیگر سوی، رویکرد کج دار و مریز دولت روحانی تا کنون، اصلاح طلبان را مصمم تر به اجرای پروژه «عبور از روحانی» نموده است.

از مجموع عوامل فوق مستنبط می شود که سوق یافتن جناب پرزیدنت به این سمت و سوی از این جهت است که این پالس را به اردوگاه اصلاحات صادر نماید که در صورت حضور مجدد در قامت یک رئیس جمهور، پتانسیل آن را دارد که «رادیکالیسم مد نظر این جریان را محقق سازد.

در پایان لازم می آید به عنوان یک شهروند مسلمان که دورویی را امری مذموم می دانم از جناب پرزیدنت به سبب آنکه به روند سابق خویش خاتمه داده، به جای پنهان شدن تصنعی در پس رهبری معظم انقلاب، صراحتاً مکنونات قلبی خود را هویدا ابراز می دارند، سپاسگزاری نموده و با زبان مورد علاقه جناب پرزیدنت به ایشان اعلام می دارم:

Thanks Honey

تقابل آشکار پرزیدنت روحانی با اظهارات و منویات امام خامنه ای مبنی بر نفی آموزش انحصاری زبان انگلیسی در مدارس و استدلال های ضعیف ایشان برای مواجهه با بیانات معظم له هر چند واکنش منفی خیل عظیمی از آحاد امت ولایتمدار را در پی داشته است اما بنده بر این باورم که از این اقدام جناب پرزیدنت می بایست استقبال نمود. امت حزب الله باید خرسند باشند که زین پس مسئولین اجرایی با زبان تزویر با آنان سخن نمی گویند؛ دیگر بار مسئولین علیرغم بکاربردن عباراتی از قبیل (منویات معظم له و...) سیاست هایی متضاد با این فرمایشات را اعمال نمی کنند بلکه آن نقاب را فروانداخته، با صراحت اعلام می دارند که در پارادایم فکریشان مفاهیم مطمح نظر زعیم حکیم انقلاب جایگاهی ندارد.

این دست اقوال و افعال هر چند زبینه نیست لیکن بدان سبب که مبین ماهیت حقیقی برخی چهره هاست و تاثیر معتناهی در تنویر افکار عمومی دارد آن را به فال نیک می گیریم؛ چه، ایشان بار سنگینی را از دوش ما برداشتند و آنچه را که اثبات آن متوقف بر ساعت ها سخنرانی و نگارش صدها کتاب و مقاله بود خود، بالصراحه متذکر شدند.

ایشان همچنین پای را از این نیز فراتر گذارده، همه مکنونات قلبی خود را که شاید عمری در نهان خانه دل، مکتوم نموده بودند در یک جمله که نمایانگر دال مرکزی تفکر ایشان است خلاصه نمود که: «اسلام انقلابی نمی خواهیم»

آنچه در بادی نوشتار شرح آن رفت شمه ای بود از «چیستی» رفتارهای جناب پرزیدنت.

اینک اما برآنیم تا به چرایی این امر بپردازیم. همگان می دانیم که دکتر روحانی به عنوان یک چهره راست سنتی، از همان ابتدا نیز گزینه مدنظر اصلاح طلبان نبود و سوابق او، خاصه مواضع کوبنده وی در محکومیت اغتشاشات تیر ماه ۷۸، نیز مزید بر این علت بود لیکن جریان اصلاحات وی را مناسب

نشریه ی مستقل دانشجویی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

سال اول، شماره ی ششم

شماره ی مجوز: ۹۴۳۴۷۵
سر دبیر و مدیر مسئول: محمد سعید ابراهیمی

هیئت تحریریه:

آقایان: آبتین نورانی، سیدجلیل حسینیان
مجید نجفی، محمدسعید ابراهیمی
خانم ها: سرکار خانم کارگر، صالحه رضایی، مریم
سادات تقی زاده، گلنوم گلی، ف.م.

طراح و صفحه آرا:

ابوالفضل عباسی و احمد قربانی پور

ارتباط با ما

..:لطفا انتقادات، پیشنهادات
و نقطه نظرات خود را با ما
در میان بگذارید:..

۰۹۳۸۲۲۳۹۹۷۴

ghalam313@chmail.ir

اخیرا یکی از اعضا خاندان «هر» در افاضاتی که بیشتر به اعتراف می مانست مدعی شده بود که اقتصاد ایران «رانت پرور» است.

در صدق این گفتار تردیدی نیست و تصور آن بلادرنگ موجب

تصدیق است خاصه آن که گوینده آن، خود از بستگان نزدیک «سمبل رانتخواری اقتصادی» می باشد و اظهارات مشار الیها در این زمینه صائب است.

بنده اما معتقدم که علاوه بر رانت اقتصادی، جامعه ما بستری معدّ برای پرورش «رانت اجتماعی» نیز می باشد. بدین معنا که نگاه حاکم بر بخشی از جامعه، صرف وجود رابطه خویشاوندی میان برخی افراد و شخصیت های مطرح را دال بر بزرگی آنان قلمداد کرده، برای آنان جایگاه و مرتبتی همسان با آن شخصیت، متصور می شود.

حال آنکه تاریخ به ما می آموزد که لزوما چنین نیست که فضائل و سجایای فردی عینا در اولاد وی منعکس و متجلی گردد؛ چرا که صفات و ویژگی های اخلاقی و معنوی از راه توارث و تناسل منتقل نمی گردد و ممکن است پدری صالح را فرزندی طالح باشد و بالعکس از والدینی زیانکار، فرزند درستکاری بهم رسد.

شواهد مثال این امر فراوان است و کسی را یارای احصاء و برشمردن یکایک آنان نیست لیکن به جهت مستند و مستدل بودن نوشتار، برای هر یک از موارد فوق مثالی چند، از نظر خواهیم گذرانند.

بهترین نمونه برای فرض حالت اول ماجرای شیخ الأنبیاء و فرزند کافر کیش وی است که رابطه بُنوّت وی با نوح نبی(ع) وی را سودی نبخشیده، عاقبه الامر مستغرق در عذاب الهی گشت. ایضا در میان فرزندان ائمه معصوم(ع) نیز می توان از جعفر کذاب نام برد و در عهد حاضر نیز جناب سید حسین خمینی، مصداق اتمّ و اکمل چنین پدیده ای به شمار می آیند.

و اما مواردی که از والدینی نابکار فرزندی شایسته به عمل می آید نیز فراوان اند. برای نمونه می توان از معاویه دوم یاد کرد که با وجود اینکه فرزند شخص سفاکی چون یزید بن معاویه بود اما پس از به قدرت رسیدن از آباء و اجداد خود برائت جست، از مقام خود کناره گیری کرد و پس از

علاوه بر رانت اقتصادی، جامعه ما بستری معدّ برای پرورش «رانت اجتماعی» نیز می باشد. بدین معنا که نگاه حاکم بر بخشی از جامعه، صرف وجود رابطه خویشاوندی میان برخی افراد و شخصیت های مطرح را دال بر بزرگی آنان قلمداد کرده، برای آنان جایگاه و مرتبتی همسان با آن شخصیت، متصور می شود.

سپر از جنس پدر

بر این اثر، مبتین عزم راسخ وی برای زدودن این تفکر قبیله گرایی است.

به دیگر سخن مقصود او از این عبارت این است که جایگاه والای حضرت صدیقه اطهر(س) به واسطه شخصیت و

حالات خود حضرت است و نه صرف مناسبات خویشاوندی با اولیاء الله؛ بلکه حضرت زهرا(س) خود، همسنگ و هم پایه این ذوات مقدسه بوده، فارغ از این پیوندها نیز از همین جایگاه رفیع و منیع برخوردارند.

جان کلام اینکه مادام که میان عظمت یک شخصیت و اقربا و منتسبین به وی، ملازمه برقرار نماییم، افراد ناکارآمدی در پس شخصیت رفیع آنان پنهان خواهند شد و به مثابه گرگی در لباس میش عمل نموده، به نام آن بزرگواران، کام دشمنان آنان را بر می آورند.

| محمدسعید ابراهیمی، حقوق ۹۲ |

چندی به دست امویان کشته شد.

ذکر موارد فوق بدان سبب است تا همواره به یاد داشته باشیم که افراد را بایستی صرف نظر از خویشان و بستگانشان ارزیابی کرد نه اینکه به مجرد خطاکاری اطرافیان، وی را تخطئه کرد و یا درستکاری آنان را به حساب آنان ملحوظ کرد؛ چرا که این عمل نوعی «قبیله گرایی» محسوب می شود.

دکتر شریعتی را می توان در عداد منتقدان سرسخت این منطق سخیف به حساب آورد. این امر مخصوصا از عنوانی که بر اثر ماندگارش نهاده است مستنبط می گردد.

گذارن عنوان «فاطمه، فاطمه است»



اگر سر به سر تن به کشتن دهیم...



آنها به وظیفه عقلی و شرعی و میهنی خویش عمل می کنند. حال وظیفه عقلی و شرعی و میهنی ما چیست؟ ما که در پشت جبهه های جنگ هستیم؟

ناموسمان به تاراج نرود... دینمان به غارت نرود... کشورمان جولانگاه تروریست های خارجی نشود... خاکمان نشود پایگاه جنایتکاران مثل شب های این مدت، کسانی هستند که در اوج عشق، از پدر، مادر، همسر و فرزند خود بریده اند تا ما در امنیت کامل به سر بریم. حال می خواهد بفهمیم یا نفهمیم.

آنها به وظیفه عقلی و شرعی و میهنی خویش عمل می کنند. حال وظیفه عقلی و شرعی و میهنی ما چیست؟ ما که در پشت جبهه های جنگ هستیم؟

| سرکار خانم کارگر، حقوق ۹۲ |

رفع خستگی در اوج رویاهای شیرینم بودم، دیشب که بسیاری زیر نم قشنگ باران لذیذانه خفتند، کسانی بودند! بله بودند!!!

چون امروز نیستند دیگر که زیر باران گلوله تا صبح مقاومت کردند

از دیشب چه نوعروسانی که بیوه شدند چه کودکان معصومی که یتیم شدند چه چشمانی که منتظر بر در نشستند چه پدرها و مادرهایی که برای سلامت بازگشتن فرزند خود صلوات نذر کردند. چه بچه هایی که هنگام بازگشت از مدرسه، تصویر پدر خود را بر بالای سردر خانه خواهند دید اینها همه برای این است که ایران نشود سوریه و عراق

خان طومان چیست؟
خان طومان کجاست؟
لبنان است یا عراق؟
سوریه است یا...

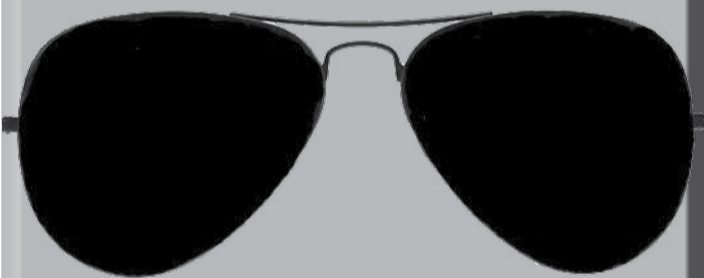
هر جا که هست یقیناً چند روزی است برای تو و من نامی فراموش ناشدنی است.

چند روزی است جسته و گریخته اخبار درگیری در شهر خارطومان در حومه جنوبی شهر حلب سوریه را دنبال می کنیم.

متأثر شده بودم که چقدر سنگ شده ام. من و تو راحت زیر نسیم خنک پنکه و کولر خفته ایم که داغ نکنیم و چه داغ ها که بر چه دلها نشست. دیشب که من از شدت لذت خواب و

| ف. ه. |

دودی در این هوای ابری؟!



دیری ست؛

متهم شدم به نابلدی در راه عشق و تو سکوت کردی

میان این هرروزهای بارانی!

ببار | ولی پاسخ اشک، اشک نیست |

دلَم لک زده برای آفتاب سوختگی دلَم!

می خواهم بسوزم؛

حرفی بزن سکوت بس نیست؟!

من این جا،

متهم شدم به |خط های منقطع و ناموازی تا تو|

بیا و مرا از نگاه های مدعی منورالفکری؛

نجات بده |

نگاه هایی؛

زیرعینک دودی هایی

که متهم می کنند به افراطی بودن؛

آن هم به جرم نگاه ممتد به آفتاب |

من، نه مثل این نگاه ها؛ از دوعینی دودی متنفرم!

در این هوای ابری

نیمه شب ها | آنقدر به ماه خیره میشوم تا شاید

سحرگاهان نگاهم به جمالخورشید روشن شود |

ببار آفتاب

بیا و از این نگاه های غریب و پرغبار ازهایم کن..

| سعید احمدی، الهیات ۹۲ |

بینش مهدوی، ویران کننده مستکبرین است

همیشه در پی مبارزه و سرکوب آن بوده اند. بینش مهدوی موجب حرکت و جنب و جوش می شود و سبب آبادی و عمرانی می شود. این نوع بینش، باعث می شود که در برابر زورگویان بایستیم و حق مظلوم را از ظالم بستانیم و عدالت و مساوات را در میان همه مردم رعایت شود.

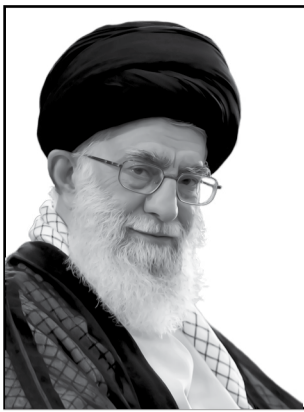
اگر همه مسئولین از رئیس جمهور تا یک مأمور زحمت کش شهرداری این دیدگاه را داشته باشند که «چون این کشور، متعلق به امام عصر (عج) است و باید به عنوان الگوی جهانی قرار بگیرد؛ پس باید نسبت به مسئولیتی که برایمان در نظر گرفته اند محکم و منظم عمل کنیم» یقیناً به هدف اصلی انقلاب که همان زمینه سازی برای ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام و تشکیل دولت کریمه ایشان است خواهند رسید.

بینش مهدوی در واقع سبب پیروزی اراده های مستضعفین بر زورگویان و مستکبران عالم است. جمهوری اسلامی ایران با انقلاب خود در سه دهه اخیر و الهام از پیام های استکبار ستیزانه اسلام ناب محمدی، جلوی چپاول و غارت گری استکبار و ایادی اش را در ایران و خاورمیانه گرفت و تا به امروز مانعی جدی بر سر راه مستکبرین بوده است.

یکی از عناصری که از دیروز تا به امروز با انقلاب ایران همراه بوده است، داشتن نگاهی مهدوی است. اما باید بینیم که نگاه مهدوی چیست؟ نگاه مهدوی یعنی نگاهی فعالانه و حرکت مند در جهت زمینه سازی برای تشکیل مدینه فاضله که به

دست منجی عالم بشریت شکل می گیرد. این نوع نگاه دقیقاً همان عنصری است که مستکبرین به شدت از آن وحشت دارند و احساس خطر می کنند و





امروز جوانان ما، دانشجویان ما، معلمان ما، کارگران ما، اگر می‌خواهند در زمینه افکار اسلامی عمق پیدا کنند و پاسخ‌سؤالات خود را پیدا نمایند، باید به کتابهای شهید مطهری مراجعه کنند.
انقلاب اسلامی در بطن و متن کتابهای استاد شهید مطهری است.

(امام خامنه‌ای - دیدار با جمع کثیری از کارگران و معلمان ۱۳۷۸/۲/۱۵)

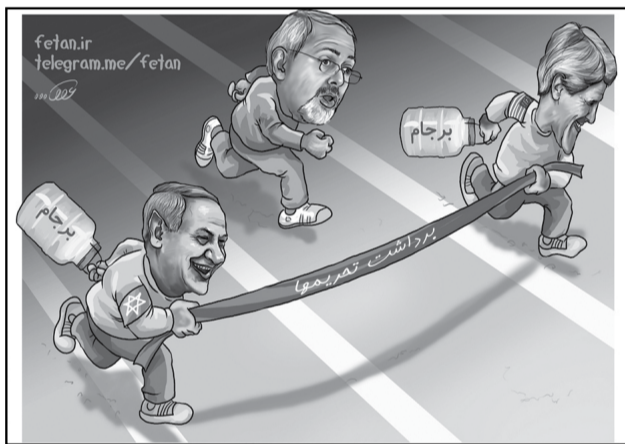
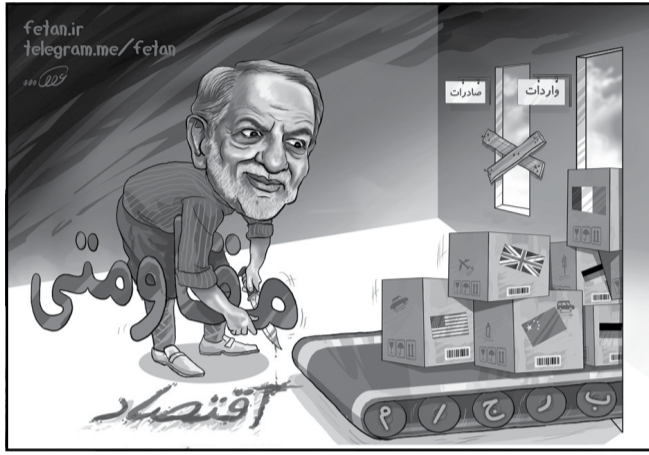
عکس و مکث



ع

قیافه ایشون چقدر آشناست
همونی نیست که می‌خواست
به عوامل برنامه پایش رشوه(نه
استغفر الله «هدیه» بده؟

نه یادم اومد متخصص آبگوشت
بز باشن ایشون
چمدونم شاید هر دو... توانایی
بالا که میگن همینه...



در ازمنه قدیم نفرینی مرسوم
بود با این مضمون که: ان شاء
الله آب و نان بدوند و تو در پی
آنان بدوی

حالا برجام داره می‌دوه و
آقایان دیپلماستی! در پی آن
دوان اند...



جناب روحانی فرمودند یک
میلیون و ۱۷۹ هزار نفر شغل
ایجاد کرده ایم
اما نفرمودند برای اتباع کدام
کشور
یاحتمل منظورشان برادران
ایرلندی بوده است و گرنه
دروغ که از ساحت ایشان
بعید است



بعضیا میگن دولت قبل در آمریکا
سرمایه‌گذاری کرده و اگه سرمایه
گذاری نمی‌کرد این دستبرد دو
میلیارد دلاری محقق نمی‌شد.

خب اخوی های گلم
ماذا فاذا هذا؟!
شما که تمام هستی تون رو اونجا
سرمایه‌گذاری کردی
قبله آملتونه...usa



تذکره الاشقیاء

۶- مهر انگیز کار

مهر انگیز کار در سال
۱۳۲۳ در اهواز به دنیا
آمد. تحصیلات مقدماتی را
در زادگاهش گذراند سپس برای ادامه تحصیل به تهران
آمد و موفق به اخذ لیسانس در رشته حقوق سیاسی
شد.

مهر انگیز کار پیش از انقلاب اسلامی با مطبوعات
کشور همکاری گسترده‌ای داشت و در زمینه مقاله
نویسی به شهرت رسیده بود.

اقدامات خرابکارانه مهرانگیز کار در آستانه پیروزی
انقلاب اسلامی:

۱- همکاری با رژیم طاغوت برای شکستن اعتصاب
مطبوعات

در ماه‌های پایانی عمر رژیم پهلوی مطبوعات در
اعتراض به استبداد رژیم و به درخواست امام خمینی
(ره) دست به اعتصاب می‌زنند ولی مهر انگیز کار با
همکاری برخی دوستان خود دست به انتشار مجله
فردوسی می‌زند.

۲- تلاش برای بقای رژیم شاه
مهر انگیز کار با همکاری دوستانش در تلاش بود تا
شاه را از سقوط وارهاوند ولی مردم به گفته او تصمیم
خود را گرفته بودند؛ او می‌نویسد: «حالا که به آن
روزگار می‌اندیشم از ساده لوحی خودم و آن چند
نفر خنده‌ام میگیرد...مردم تصمیم خودشان را گرفته
بودند...»

اعترافات مهرانگیز کار در خصوص هویت بی‌بند و بار
پیش از انقلاب:

«مجبور شده بودم هویت خود را که تا پیش از ۲۲
بهمن به آن می‌بالیدم، مخفی کنم. هویت من در
مقاله‌هایم، در آرایش موهای کوتاهم، در طرز لباس
پوشیدنم، در مراوده آزادانه و رفیقانه‌ام با مردان
شکل گرفته بود. اینک آن هویت تبدیل شده بود به
سوءپیشینه.»

دوم خرداد و فضایی که برای مهر انگیز کار باز شد:
مهر انگیز کار دوم خرداد را دوران جدید زندگی حرفه
ای خود می‌داند و می‌نویسد: «دوم خرداد ۱۳۷۶ شد.
مطبوعات اصلاح طلب بر پیشخوان روزنامه‌فروشی‌ها
نشست. با تجربه‌هایی که اندوخته بودم این مطبوعات
را تغذیه کردم.»

- تحلیل مضحک مهرانگیز کار از جنبش‌های زنانه در
ایران:
مهرانگیز کار معضلات و آسیبهای اجتماعی مانند طلاق و
فحشا و دختران فراری را نمودهایی از تلاش زنان برای
احقاق حقوقشان میدانند و تصریح میکنند این رفتارها
برای نشان دادن مخالفت با حاکمیت و مردسالاری
هستند.

- نمونه‌ای از افاضات مهر انگیز کار:
احکام کیفری اسلام کارایی ندارد و موجب رواج
خسونت می‌گردد.

کیان، ش ۴۵، بهمن ۷۷